

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على رسول الله و على آله المعصومين

اللهم صل على محمد و آل محمد واهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

از بزرگوارانی که باعث و بانی این نشست شده اند، بزرگواران د رمركز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام د ر شعبه مشهد تشكر ميكنم و از شما بزرگواران که ركن ركين جلسه هستند و جلسه در واقع با شما شروع می شود.

همانطور که د ر فضای مجازی هم ملاحظه کردید موضوع بحث من روش شناسی اجتهاد امام خمینی در مسائل مستحدثه است.

نکاتی ر امقدمتا عرض می کنم به اختصار و سریع بگذریم

اما راجع به فوائد و ثمرات روش شناسی مطالبی زیاد است کتاب روش شناسی که اخیرا از بنده چاپ شده می توانید ملاحظه فرمایید.

پدیده مبارکی است و پرفائده ...

من حاشیه مرحوم ایروانی را بر مکاسب می دیدم و گاهی وقتها میدیدم که جناب ایروانی می گوید که این چه مدل بحث کردنی است؟! اگر مکاسب را تدریس کردید خودتان تجربه می کنید ایشان می گوید : جناب شیخ شما یک مطلب را گفتید اقوال را هم گفتید ادله اقوال را هم گفتید و ضعف آن قوی را هم که قبول ندارید گفتید و برای قوی که می خواهید بیاورید دلیل می آورید و یک دفعه میگویی لکن الانصاف! سرچ کنید لکن الانصاف های شیخ را ...مرحوم ایروانی می گوید : این لکن الانصاف ها چیست؟!

من اگر ادله دو طرف را بیاورم یک طرف را تضعیف و طرفی را که صحیح است تقویت کنم این لکن الانصاف چیست؟!

به هر حال معترض است که این چه مدل بحث کردن است ؟

یا در بحث نگاه داری صور مجسمه میدانید یک بحث نقاشی و ساخت تصاویر مجسمه است و یک بحث نگاه داری آن است و مرحوم شیخ یک ترازو درست میکند برای ادله جواز و یک ادله منع یک سری می آورد در ادله جواز که برخی از آن ها دلیل است و برخی از آن ها دلیل نیست دلیل نما است و این طرف هم که وجه منع را می آورید به همین ترتیب عمل می کنید .

به نظر شما فقیه حق این را دارد که خود ادله ای را بیاورد که خود دلیل نمیداند؟

مثلا شهرت ، شیخ ممکن است شهرت را جابر بداند اما کارایی سندی برای آن قائل نیست .

ولی بسیاری از جاها در فقه می آورد این مدلها و این تعینات باعث شد که طلبه ای مثل من به این فکر برود که نکند این روشی برای این کار است و اعتراض جناب ایروانی به خاطر عدم توجه به روش شیخ است و الان هم همین طور است که الان هم که حدود چهل و سال از آن خاطره میگذرد، و صدها و هزاران ساعت دنبال کردن مساله و کتاب روش شناسی الان من به این نتیجه رسیدم که روش شیخ این است . شیخ متعلق به مدرسه صنعت محور و ریاضی و صغرا و کبرا نیست شیخ متعلق به مدرسه تجمیع ظنون است. یعنی مرحوم شیخ می آید یک ظنونی را جمع می کند و گاه به اطمینان می رسد و فتوا می دهد یا به خیر الطرق المیسره می رسد و باز هم فتوا می دهد البته ممکن است جایی فتوا بدهد اما با ان شاء الله و ما شاء الله رد شود . روش شناسی را فضلا به ما بزرگان نگفتند . خودمان ذهنمان می رفت و کازمیکرد سالهای 58 و 59 این بحث ها نبود ولی الان ما داریم با این که اوائل کار شماس است ما این ها را به شما می گوئیم اوائل سطح و چهار بهترین زمان برای ورود به این بحثها است و آشنایی با آن است

این که اصولا امام روش دارد یا نه و اگر دارد روش فقاهت او چگونه است؟ و ما اگر خواستیم روش امام را نقد و تایید کنیم با توجه به روشش نقد و تایید کنیم.

روش شناسی فوائد زیادی دارد این را تاکید از این جهت میکنم که چون عده ای از همان اول نسبت به یک سری مسائل به شرط لا هستند دنبال هم نمی کنند .

برخی ایراد گرفته بودند اگر روش شناسی همان اصول فقه است که داریم می خوانیم و اگر اصول فقه نیست پس چه ضرورتی دارد؟!

متاسفانه این متد ، تفکر یک استاد است که این اشتباه است

این تفکر غلط را قبل از ماها هم داشتند.....

روش شناسی بحث اصول فقهی است که بسیار هم لازم است .

عذرخواهی می کنم ممکن است من جاهایی امروز مجبور شوم به مناسبت از کتب خودم نام ببرم

کتاب جدیدی که به بازار آمده روش شناسی اجتهاد و آن جا تبار علمی و مسائل و ادله آن را ببینید .

این موضوع برای اولین باری است که ارائه میشود.

روش شناسی وقتی اضافه می شود مضاف الیه گاه یک مکتب و گاه یک شخص است و گاه یک شخص در یک کتاب است مثلا می گوئیم روش شناسی فقه امامیه در مقابل فقه زیدیه و یا فقه اهل تسنن ...

گاهی می گوئیم روش شناسی فقه شیخ انصاری ... حتی گاهی می گوئیم روش شناسی شیخ انصاری در مکاسب ...

در این باره مثلا ما کار به آثار دیگر شیخ نداریم و فقط کار به روش شناسی شیخ در مکاسب داریم .

و در واقع می خواهیم روش شیخ را در مکاسب روش شناسی کنیم . لذا روش شناسی قابلیت این را دارد که اضافه به فقه افراد و یا نام افراد شود.

به هر حال در موضوع مورد بحث ما اضافه به نام امام شده است و ممکن است کسی مقلد ایشان هم نباشد اما دوست داشته باشد که روی این مبحث یعنی روش شناسی اجتهاد امام کار کند.

در روش شناسی وقتی که می خواهد بحث شود و وقتی می خواهد به نام شخص اضافه شود، طبیعتاً مشترکاتی با دیگران دارد. بخش اول روالی که همگان دارند او هم دارد این را خیلی نباید معطل شد . بحث روش شناسی دو دهه است که مطرح شده در حوزه ها و کمی هم لوٹ شده به این معنا که افرادی عهده دار این کار شده اند که این کاره نیستند و گاه هم سیاسی شده است و یا به جهات غیر علمی کشیده شده است.

اگر خواسته باشیم در روزانت خودش بحث را نگه داریم، مشترکاتی هست ، مثلاً مرحوم امام طرح مساله می کند.... و بعد به ادامه ادله اربعه را می آورد و بعد به مساله می پردازد شما روش شناسی هر فقیه‌ی را که قرار بدهید این شیوه را دارد. دو جا هست که کسی که می خواهد روی این بحث ها متمرکز باشد باید کار کند یکی موارد مختلف فیها است یعنی آن کیس ها و آن مواردی که مختلف فیها است آن جا باید دید که فقیه شما چه کار کرده است مثلاً میدانید که تمسک به اطلاقات و عمومات قرآن، و روایات برای پدیده های عصر حاضر محل اختلاف است. مثلاً: * اوفوا بالعقود* عام است * احل الله البیع* مطلق است * الا ان تكون تجارة عن تراض منكم* مطلق است آیا این عمومات و اطلاقات پدیده های جدید را می گیرد؟ منظور از جدید هم ممکن است دیروز بوده و ممکن است ششصد سال پیش بوده باشد . ممکن است در عصر تشریح و بیان شریعت نبوده است. مثل سرقفلی یا مثل بیمه .. مثل ... مثل ... آیا شامل می شود یا نه؟ اختلافوا فیها این جا است که باید ببینیم فقیه ما که در بحث ما امام خمینی است آیا در مسائل مستحدثه قائل به صحت تمسک به عمومات و اطلاقات صدر اسلام (عصر تشریح و بیان شریعت) آیا قابل تمسک هست یا نه؟ در مسائل دیگری که احیاناً ممکن است خاص آن فقیه باشد . یعنی ممکن است فقیه ما در یک مورد یک روشی دارد که عموم فقیهان دیگر ندارند مثلاً تمسک به مصلحت تمسک به نصوص مبین مقاصد ممکن است فقیه ما روش خاصی داشته باشد .

اگر می خواهید روش شناسی کار کنید و یک فقیه خاصی محور بحث ما ست باید مشترکاتش را با دیگران در نظر بگیریم در موارد مختلف فیها و در مواردی اگر خودش روش ویژه دارد یا لاقلاً خلاف مشهور در مختلف فیها نیست که خلاف مشهور باشد، اما در قسمت ویژگی ها که می شود ویژگی آن شخص ، و فقاقت آن شخص، این جا ممکن است مورد داشته باشیم یا نداشته باشیم. و من دوست دارم در بحث امروز شما را سراغ محور اول نبرم. اتلاف وقت است محور اول چه بود؟ این بود که ایشان وارد مساله می شود، بیان موضوع می کند، از ادله اربعه استفاده می کند این متد را که همه استفاده می کنند آن که من دوست دارم شما را یک مقدار به آن توجه بدهم هم فایده روش شناسی دارد هم این که با مساله هم انسان آشنا می شود. و در واقع معرفت افزایی دارد .

و به هر حال به دنبال این بحث هستیم که آیا ما می توانیم در کار ایشان یک ویژگی پیدا کنیم یا نه؟

ضمن این را هم من به شما بگویم که درست که محور بحث امام خمینی است اما دریچه ای است برای یک بحث بزرگ .

که متوجه می شوید در روش شناسی چه کار باید بکنید مثلاً روش شناسی صاحب جواهر روش شناسی شیخ انصاری روش شناسی آشیخ عبدالکریم ... روش شناسی آخوند خراسانی یا محقق خویی

این ها مواردی بوده که در سمینارهای مختلف چه در مشهد یا قم یا اصفهان ما داشتیم . دوست دارم هدر نرود که نمی رود. و این بحثها از سوی شما پی گیری شود خود شرکت شما در این جلسات نشان از دغدغه شماست .. و این ارزشمند است.

بنابراین کار را دنبال کنید به عنوان یک مدل بحث روش شناسی و این مدل را داشته باشید.

روش شناسی امام خمینی در ویژگیها یا مختلف فیه

با این که شخصیت امام خمینی شخصیت والایی است اما این دلیل بر این نیست که ما اگر نقدی بر ایشان داریم از این کار دریغ ورزیم .

روش شناسی امام خمینی در مسائل مستحدثه

خوشبختانه امام د ریک تابستانی 1343 شمسی که مساوی با 1384 قمری است ایشان وارد گفتگو از مسائل مستحدث می شود که خدا خیر بدهد به کسانی که این موارد را تدوین کرده اند البته شاید کار خود ایشان بوده چون گفته می شده که ایشان بعد بحث ملاقاتی قبول نمی کرده و یادداشت برداری می کرده لذا یادداشت خود ایشان است و تالیف مقرران نیست .

تحریر الوسيله وقتی دوره فقه تحریر با بحث از دیات ادامه می یابد ایشان چند صفحه ای را به مسائل مستحدث اختصاص می دهد .

البحث حول المسائل المستحدثه ؛ پس ما با یک تراش خوبی مواجهیم که ما کار ایشان را ببینیم و با یک نگاه روش شناسانه ، کار ایشان را ارزیابی کنیم .

مواردی که روش همه است را کار نداریم ؛

ایشان بیمه را شروع می کند و تعریف می کند و می گوید یحتاج الی ایجاب و قبول ... شرایط مؤمن یا شرایط مستامن ... این ها را بیان می کند این ها چیزهای عمومی است که تکرار می کنم که نیازی به بحث ندارد اما وارد مواردی می شویم که مختلف فیه است .

میدانید که یکی از مسائلی که محل اختلاف است، این است که ما در معاملات (استنباط احکام معاملات) باید نگاه حداکثری داشته باشیم یا نگاه حداقلی؟ آیا نگاه حداکثری داشته باشیم یعنی نگاه ترخیصی - نگاه جواز نگاه عقلایی ... یا نگاه حداقلی (اصاله الفساد) اصل عدم ، آیا ما در معاملات باید نگاهمان حداکثری باشد یا حداقلی ... چه محشری به پا می کند تفاوت این دو نگاه ...

شما یکی از عقود را در نظر بگیرید مثلا مضاربه .. اگر به این موضوع نگاهتان حداکثری باشد مضاربه با غیر درهم و دینار درست است؟ آیا مضاربه با تعیین سود درست است؟ آیا ... آیا ...

اگر نگاهتان حداکثری باشد ممکن است جوابتان مثبت باشد.

چون آن چه تعیین جهت میکند ، دلیل است.

ما الان هم فقیه داریم که می گوید اگر می خواهید مضاربه کنید فقط با طلا و نقره ؛ آن هم نه هر طلایی ؛ درهم و دینار.

حاشیه بر عروه را ببینید اتفاقا عروه کتابی است که حاشیه دارد ذیلش مطرح می شود.

هم روش حداقلی مطرح می شود هم حداکثری من خودم عضو کمیته فقهی بازار بورس و اینها هستم ... هفته ای و ماهانه ما با معامله جدید مواجه ایم باید دید چه باید کرد؟ و این نیست که زمان زیادی بگذرد تا شکل جدیدی از معاملات مطرح شود. تصور کنید فقیهی با نگاهی حداقلی و حداکثری بخواهند به این موضوع پردازند . کسی که نگاهش حداقلی است دنبال دلیل است آن هم دلیل روشن ... برخلاف کسی که نگاهش حداکثری است و تمسکش به بنای عقلاست طبیعتا این دو با هم فرق دارد و فقیه مورد بحث ما در مسائل مستحدثه (کتاب البیع، کتاب خیارات) نگاهش حداکثری است .

ایشان مطرح می کند: من قبول ندارم که حتما طلا و نقره مسکوک باید باشد که برخی می گویند . بل المعتبر کونه من النقود فی مقابل العروض و هذا لازم

یعنی با همان نگاه حداکثری قضیه را تمام می کند. نه برای خصوص این استدلال دلیلی داریم و نه برای رد آن داریم در یک مساله مختلف فیه نگاه حداکثری یا حداقلی نگاه حداکثری است... لذا ایشان بیمه را مطرح میکنند سفته را مطرح میکنند سرقفلی را مطرح می کند عملیات بانکداری را مطرح می کند . تلقیح مصنوعی و .. همه را هم با همان نگاه حداکثری بررسی می کند.

شما عروه را ببینید در کتاب مضاربه و کتاب الشركة محشر به پا میکند . شرکتها که بسیاری از این ها در گذشته نبوده است.

و بعدا پیدا شده اخیرا عروه ای چاپ شده با 41 حاشیه ...

عروه با 41 حاشیه یک آقای خوش سلیقه ای رضوان الله تعالی علیه یا خودش یا تیمش این کار را ارائه داده است آدم وقتی عروه ای را با 41 حاشیه می بیند لذت می برد .

ولی در این تضارب افکار و مصداق اضرب بعض الرای ببعض یتولد منه الصواب .

توانستید این عروه را داشته باشید و از این کتاب بهره ببرید یک صحنه درگیری بین این دو تفکر نگاه حداقلی و نگاه حداکثری وجود دارد.

حتی در مسائل کهن هم این د و متد همواره وجود داشته است.

یک چیز جالب این است که ما هر چه به گذشته می رویم با نگاه حداکثری مواجه می شویم. هر چه جلوتر می آییم با نگاه حداقلی مواجه می شویم. البته باید سوگمندانه این حرف را گفت؛ چون ادله ما موافق نگاه حداکثری است.

اگر دوست داشتید فقه و حقوق قراردادها را ببینید.

فقه و حقوق قراردادها را هر دو جلد آن را یعنی ادله روایی و قرآنی را هر دو را ببینید.

مخصوصاً ادله عام روایی را که در آن آمده الناس مسلطون علی اموالهم ما معتقدیم این می تواند تمام مشکوکات را مرتفع کند جز در جایی که ما با حجت معتبر دلیلی بر منع داریم می توانیم به این روایت تمسک کنیم البته مرحوم امام خمینی که موضوع بحث ما است تمسک نمی کند.

آن چه مورد بحث ما است این که می گوید: الناس مسلطون علی اموالهم لا علی احکامهم..... ما گفتیم که از این روایت شریف استفاده جواز و نگاه حداکثری بکنیم. گفته می شود که این روایت مرسله است در حالی که ما موثقه عمار و چندین روایت داریم این حضرات فقط یک روایت آن را دیده اند که سنی ها نقل می کنند از پیامبر که مرسله می شود.

ممکن است برخی بگویند آقای خوبی هم فرموده اند مرسله است و اعتباری ندارد.

نه این ها دیده شده و جواب هم داده شده است

1. فقیه ما نگاهش به معاملات به معنای اعم مثلاً تملیح مصنوعی، تشریح بدن... بیمه... هر چه حساب کنیم نگاهش حداکثری است.

2. مورد دومی که در روش شناسی ایشان مهم است تمسک به عمومات و اطلاقات است یعنی تمسک به اوفوا بالعقود. احل الله البیع... قبلی منحصر در عموم و اطلاقات نبود در واقع یک نگاه بود به ادله و لذا بنای عقلا حکم عقل و همه اینها در شماره یک می آمد اما الان خصوص نصوص ملفوظ یعنی قران و روایات ما این سوال را مطرح می کنیم که نسبت به سوال اول خاص است اخص است فقیه مورد بحث ما در مسائل نوپدید عقود نوپدید عقود که نه تنها شکش که حتی عنوانش هم جدید است شما این آپشن ها و ابزارهای مشتقه و.. خرید حق اختیار و اختیار حق خرید و حق فروش و این ها که در بازار هست نه اصلش آنزمان بوده و نه شکل خاص آن. یک زمان عقدی زمانی بوده اما نه شکل خاص فعلی آن میتوانید مثال بزنید؟ پدیده ای را مثال بزنید که اصلش بوده اما شکل خاص فعلی آن نبوده است مثل فروش موافقت اصولی را برای تاسیس کارخانه آیا میتوانم وقتی من موفق شدم این موافقت را بگیرم این حق را به شما بفروشم؟ من با وزارت صمت، بازرگانی ارتباط دارم حق تاسیس کارخانه ای را در منطقه ای گرفتم که می گویند مثلاً فلانی موافقت اصولی این کار را گرفته است. فرض کنید من این موافقت اصولی را می فروشم به یک آقای مثلاً ده میلیارد... شیخ انصاری می گوید باطل است چون فروش حق است... و نمی شود حق را فروخت اما بحث این است که الان این سوال است فروش حق؛ فروش موافقت اصولی بیع است اما این شکل آن جدید است اما برخی معاملات است که اصل آن جدید است بسیاری از معاملاتی که مطرح می شود بورس و فرابورس و... اینها

شکلش هم جدید است . سوال : آیا می شود به عمومات و اطلاقات تمسک کرد یا نه؟ اختلافوا علما برخی ها می گویند نمی شود اگر این کتاب قراردادها را خوانده باشید من ذیل اوفوا بالعقود من شش دلیل آوردم . که میگویم شما نمی توانید به این عمومات و اطلاقات برای پدیده های جدید تمسک کنید باید ببینید اگر زمان گذشته بوده، تمسک کنید ، ولی اگر نبوده مثلا معاطات بوده است حالا اگر شک کردید که معاطات درست است یا نیست یک بحث است کسی را می شناسم که معامله ای که می خواهد انجام دهد صیغه می خواند از این جهت که برای او معاطات هنوز حل نشده است . به هر حال معاطات بوده است اگر عقدی بوده که در گذشته نبوده یا شکل خاص آن نبوده است مثل همین فروش حق ؛ شما حق ندارید تمسک کنید و فکر نمی کنم جایی جمع و جور تر از مطالبی که در آن کتاب مطرح شده، بیابید که ما شش دلیل را آوردیم. اما فقیه ما در درس امروز از کسانی است که معتقد است به این عمومات و اطلاقات می شود تمسک کرد و تا قیام قیامت اگر پدیده ای بیاید که عقلا قبول داشته باشند، و صدق عقد بکند اوفوا بالعقود شامل آن می شود. آقای محمدی گیلانی از قضات بوده که فوت کرده ایشان از شاگردان مرحوم امام بوده است ایشان در مجله فقه اهل بیت فارسی آن در شماره 1 بهار 1374 شمسی یک مقاله ای آن جا دارد به نام بیمه این خاطره را آقای محمدی گیلانی آن جا نقل می کند می گوید من در تابستان 1343 رفتم درس استادام (مرحوم امام) ایشان مساله بیمه را مطرح کرد ظاهرا اولین مساله ای بوده که ایشان مطرح کرده است بعد می گوید من حرفهای امام را یادداشت می کردم . این مطلب از امام خمینی است: آن چه ممکن است سبب اشکال در صحت شرعی بیمه گردد چند امر است: 1. کسی بگوید عمومات عقود و شروط اوفوا بالعقود المومنون عند شروطهم شروطی را در بر می گیرند که در زمان صدور این گونه عمومات متداول بوده است. (عصری است مربوط به آن زمان است) بنابراین عقد بیمه باطل و مورد نهی این آیه است لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل ...مرحوم امام اشاره به آن دلیلی می کنند که ما برای آن شش بیان و دلیل آوردیم. که این عمومات عصری است و فقط دوران صدور را در بر می گیرد . و از قرن چهارم به بعد هر چه آمده دیگر شامل نمی شود. دوری چنین برداشتی از ظاهر آیات و روایات روشن است ؛ چه برداشت غلطی است زیرا انحصار این گونه عمومات در معاملات متداول در زمان وحی و تشریح و زمان بیان شریعت ، تحمیلی نادرست است ؛ چنین نگرش متحجرانه و برداشت جمودگرایانه نسبت به این الفاظ عام از ساحت مقدس شریعت سمحه سهله به دور است گمان نمی کنم به ذهن احدی که آشنا به زبان عرف باشد، و فارغ از وسوسه ها چنین مطالبی خطور کند ایه اوفوا بالعقود در مقام قانون گذاری تا زمان قیامت نازل شده است تنگنای عقد و معاملات متداول آن زمان گمان نمی کنم محدود باشد . پیامد جموداز این گونه دور شدن از روال فقه بلکه از فهم اصل دین و باید به خدا پناه ببریم چنین جمودی بی کم و کاست مثل جمود حنابله نسبت به ظواهر دین است

بنده خودم معتقدم هم نگاه حداکثری درست است هم تمسک به عمومات و اطلاقات درست است شاید امام نظر به مستند نراقی دارد که مخالف با تمسک به عمومات است ...

فقیه ما با نگاه حداکثری عقود و معاملات و مسائل حدید را بررسی می کند و لذا به جواز هم می رسد بحث تغییر جنسیت را یکی از کشورهای که در این بحث پیشتاز بود ایران است یعنی ما قبل از آمریکا و اروپا بحث تغییر جنسیت داشتیم و عده ای نزد امام می روند و بحث را مطرح می کنند و امام نهایتاً نظر به جواز تغییر جنسیت داشتند و تا این مرحله هم پیش می روند . و اولین فتاوا بود و این به فضای کشور کمک کرد .

این مانع شرعی که برداشته شد این بحث پی گیری و اجرا شد البته این بحث مخالفانی را هم دارد و هنوز هم به همین شکل است .

امروزه هم بحث تغییر جنسیت هم پدیده پیچیده ای شده است . زن و مردی که قبلاً زن، مرد بوده یا مرد زن بوده است الان در کنار هم زندگی می کنند با تغییر جنسیتی که داده اند.

3. ساحت سوم ؛ آن ساحتی است که من نمی گویم خاص ایشان است ولی مثل دوتای قبلی هم نیست که اختلافی باشد اکثریت مثل امام خمینی پذیرفته باشند و اقلیت نپذیرفته باشند برخی موارد هست که اگر بگویم خاص فقه ایشان است در دوران های اخیر من درست گفته ام . برای این که این بحث سوم، ضایع نشود، اجازه دهید بحث را به جلسه بعد موکول کنیم. الحمد لله رب العالمین.